

گروه فرهنگ و هنر

انتشارات مرکز کرمان‌شناسی با همکاری بنیاد ایران‌شناسی، کتاب «ترانه‌های سیرجان» جدیدترین اثر «مهری مویدمحسني» را در ۵۳۴ صفحه، منتشر و روانه بازار کتاب کرد. این کتاب چهارمین اثر مکتوب مویدمحسني است که در زمینه فرهنگ و ادبیات عامه مردم سیرجان گردآوری، و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. او در این کتاب سعی کرده تا مجموعه‌ای از شرمه‌ها، لالایی‌ها، آیدون‌ها، ترانه‌های بازی، و... را جمع‌آوری کند، تا به قول محمدعلی گلاب‌زاده ثابت کند: عشق او زنده نگه‌داشتن آثاری است که با کمال تأسف، هر کس از هرجا رسیده، ضربه‌ای بر سر و رویش زده و بر ناتوانیش افزوده است. برای مهری مویدمحسني حفظ یک دوبیتی، نگهداری یک اصطلاح و ضرب‌المثل، لالایی و در کنار آن نمادهای روزگار پیشین از تیغ دلاکی گرفته تا چراغ‌توری و شمع‌دان و چراغ‌آرموس و رادیوی آندری و... که بیرون امروز هزاران خاطره از آنها دارند، یک فریضه به شمار می‌رود و چنین است که در هر گذر سال‌ها پژوهش، هم‌سینه‌ی خود را گنج‌خانه‌ی فرهنگ‌عامه سرزمین خویش قرار داده و هم‌خانه‌ی خود را به صورت موزه‌ای در آورده که هرکس بخواهد با زندگی نیاکان خویش آشنا شود، می‌تواند با دیداری چندساعته و شنیدن توضیحات این بانوی فرزانه، به هدف خود دست یابد.

ترانه‌هایی برآمده از پاره‌فرهنگ‌های عشیره‌ای، روستایی و شهری

در باب اهمیت این اثر همین بس که استاد «علی بلوکباشی» نیز یادداشت و مقدمه‌ای بر این کتاب نوشته است. دکتر علی بلوکباشی دارای مدرک دکترای مردم‌شناسی از دانشگاه آکسفورد انگلستان و از پیشگامان و بنیانگذاران مطالعات فرهنگ مردم در ایران است که از وی به عنوان پدر مردم‌شناسی آکادمیک ایران نیز یاد می‌شود. استاد بلوکباشی در مقدمه‌ی این کتاب نوشته است: «تا آنجا که من می‌دانم در روزگار ما خانم مویدمحسني یکی از انگشت‌شمار بانوان پژوهشگر ایرانی است که با شیفتگی و عشق بسیار فراوان به بررسی و جمع‌آوری فرهنگ مردم سرزمین زادگاهی خود پرداخته است. این بانوی فرهیخته در چند دهه اخیر، با تلاش پیگیر و نشر گویش و آداب و رسوم مردم جامعه سنتی خطه سیرجان، ما را با پاره‌های زبان و خلق و خوی و رفتار و باورهای مردم زادگاه خود کم و بیش آشنا کرده است.»

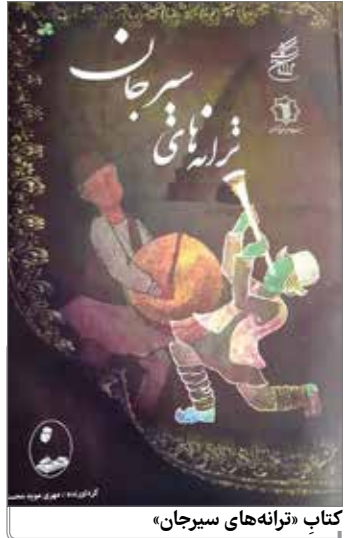
خاطرات دوره کودکی این بانو و ارتباط درونی و عاطفی خاصش با مادر از راه لالایی گوئی و ترانه‌خوانی‌های او و نقش

نگاهی به جدیدترین اثر مهری مویدمحسني

نقش پُرنگ و ماندگار صندخونه



مهری مویدمحسني



کتاب «ترانه‌های سیرجان»

پرنگ و ماندگار صندوق‌خانه یا اتاق بُنی خانه پدری، در ذهن و اندیشه او که در مقدمه بر این مجموعه با قلمی ساده و روان و شیرین و با زبان و کلمات و اصطلاحات دلچسب سیرجانی بازنایافته، گرایش و دل‌بستگی باطنی وی را به فرهنگ عامه و شعر و ترانه‌های مردم سرزمینش آشکار می‌کند. با چنین احساس لطیف و شور و شوق وارسته‌ای است که خانم مویدمحسني می‌خواهد و چاپ و نشر گونه‌های متنوع ترانه‌ها و اشعاری که از زبان مردم سرزمین شنیده و در این دفتر گردآورده، دیگران را هم با شور و شوق خود، سهیم و همراه کند.

ترانه‌های این دفتر برآمده از پاره‌فرهنگ‌های عشیره‌ای، روستایی و شهری هستند که در کلیت فرهنگ مردم سیرجان بازنمود یافته‌اند. مضمون این مجموعه ترانه‌ها به نحوی روایت‌گر کار و معیشت مردم در فرایند زندگی و بازتابنده نوع جهان‌بینی آنان و نگرش‌شان به طبیعت و بوم‌زیست خود و اشاراتی کوتاه برخی حوادث تاریخی و اجتماعی محلی در حیات اجتماعی جماعات ترکیب‌دهنده کلیت فرهنگ سیرجان است. گفتنی است که شماری از ترانه‌های این مجموعه صورت و مضمون مشابه و مشترک با ترانه‌های رایج در فرهنگ‌های نقاط دیگر ایران را دارند و به وضوح تبادلات فرهنگی و نشر و اشاعه‌ی ادبیات فولکلوری را از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر نشان می‌دهند. برخی از ترانه‌های مشترک نیز مطابق با فرهنگ‌های روستایی و عشیره‌ای سیرجان و ضرورت مکانی و زمانی و نیز ذوق و سلیقه مردم محلی، در لفظ و معنا تغییراتی یافته‌اند و شماری از واژه‌های‌شان باب طبع و فرهنگ مردم

محل تغییر یافته و به صورت واژه‌های گویشی محلی درآمده‌اند.

یک سری هست که صدتا سرا

نگه ما داره...

یکی دیگر از بخش‌های خواندنی این کتاب، مقدمه‌ی زیبا و شیرین «دکتر محسن پورمختار» است که با زخوئی بخش‌هایی از آن خالی از لطف نیست. «یک مثل سیرجانی داریم که می‌گوید: یک سری هست که صدتا سرا را نگه می‌داره، یک سری هم هست که خودش را هم نگه نمی‌داره. قسمت نخست این مثل یکی از بهترین مصداق‌های خود را در سرکار خانم مهری مویدمحسني یافته است. بانویی که به تنهایی و با عشقی پایان‌ناپذیر که به سرزمین اجدادی خود دارد کارهای گونه‌گون و مهمی کرده و می‌کند که مردان مرد هم در انجام آنها درمی‌مانند. این خانم فرهیخته که همه قبیله‌ای او عالمان دین بوده‌اند، از نوجوانی در مکتب فرهنگ عامه ایرانی و پیش ادیب عشق به درخت پربار برگ فرهنگ مردم دیار خویش دل و دخیل بسته و همین عشق فراینده او را واداشته تا گویش قدیمی مردم شهرها را که رو به زوال است جمع‌آوری کند و در کتاب «گویش مردم سیرجان» به چاپ برساند، آداب و رسوم و آیین‌های درحال احتضار را از گنجینه‌های خطرات خود و کهنسالان شهر و روستا گردآوری و مکتوب کند تا کتابی بشود با عنوان «فرهنگ عامیانه مردم سیرجان» کتابی که به نظر متخصصان حوزه فرهنگ عامه از نمونه‌های عالی نوع خویش است. افسانه‌ها و قصه‌های قدیمی دلنشین را برای آنکه از گزند فراموشی در امان بمانند در کتابی با نام «اوسونه» جمع کند تا آیندگان را به زبانی

ذهن و ضمیر گذشتگان دیار خویش راهی بگشاید. از سوی دیگر اشیا و لوازم و ملزومات زندگی مردمان قدیم را به دل و صرف وقت و هزینه بسیار یکی یکی از گوشه و کنار گردآوری کند و مجموعه‌ای فراهم آورد کم‌نظیر تا امروزان و آیندگان را ساعتی به گذشته ببرد و از دیدن آن‌همه ذوق و ظرافت نیاکان، انگشت به دهان نگاه دارد.

خانم مویدمحسني، در زمینه تحقیقات فرهنگی در حوزه فرهنگ عامه یک محقق بزرگ است. گستره تحقیقات فرهنگ عامه سیرجان بدون کارهای او برهوتی خالی بود اما امروزه به برکت کارهای او باقی است خرم‌بهار، بر از نرگس و نار و سبب و نپی، امروزه به هفت او ما از آیین و آداب و گویش قدیمی مردم سیرجان، اطلاعات بسیار داریم. دقت و غنای تحقیقات او در این زمینه باعث شده که محققان حوزه فرهنگ عامه ایران کتاب‌های ایشان مخصوصاً فرهنگ عامیانه مردم سیرجان را قدر بدانند و بر صدر بپوشانند. نگاهی به مدخل‌های دانشنامه فرهنگ مردم ایران که پُر از ارجاع به آثار ایشان است، گواه این امر است.

اینک مهری مویدمحسني در کتابی تازه به جمع‌آوری «ترانه‌های مردم سیرجان» پرداخته است. منظوری او از ترانه در این کتاب هر جمله و عبارت و متنی است که موسیقایی، آهنگین و قابل زمزمه باشد. به همین دلیل در آن از شروه‌های محلی هست تا ترانه‌های رخت بُرون نوزاد که در کنار گهواره او زمزمه می‌شده تا آوازهای «یکجا کنون» عروس و داماد که بر در حجله خوانده می‌شده، از رجزها و خودستایی‌های باغیان و دلاوران و کمر گرفته تا مویه‌های عاشقان

دلسوخته‌ی در کنج اندوه خزیده، از دَمِ مادر شوهر گرفته تا طعنه به مادرزن که نهارزه به یک ارزن، حتی بلال فروش‌ها هم بی‌تصیب نمانده‌اند و مدایحی که در وصف شور بلال یا شیر بلال می‌خواندند در این کتاب آمده است. این گستره متنوع آوازاها و ترانه‌ها، اجزای مختلف زندگی گذشتگان ما را درخود دارند. این‌ها آینه‌ی زندگی مردمان رفته‌اند، با آنها می‌توان به گذشته‌ها سفر کرد و شاهد امیدها، شامیدی‌ها، آرزوها، حسرت‌ها، غم‌ها، شادی‌ها، گله‌ها، آفرین‌ها و نفرین‌های مردمان قدیم بود. مردمانی از جنس ما که هم‌چون ما چند صباحی در این سرای غبارآلود چرخي به غم و شادی زده‌اند و رفته‌اند...»

سفری از دوبیتی‌ها تا موسیقی سیرجان

اما سواى ترانه‌ها، مطالب دیگری نیز در این کتاب به چشم می‌خورد. از جمله یادداشت‌هایی در مورد زندگی «احمدرضا مویدمحسني» هنرمند سیرجانی و جایگاه موسیقی سیرجان در پهنه‌ی موسیقی ایران. یادداشت‌هایی از او بر خواجویی‌نَسب و ملزومات زندگی مردمان قدیم را به دل و صرف وقت و هزینه بسیار یکی یکی از گوشه و کنار گردآوری کند و مجموعه‌ای فراهم آورد کم‌نظیر تا امروزان و آیندگان را ساعتی به گذشته ببرد و از دیدن آن‌همه ذوق و ظرافت نیاکان، انگشت به دهان نگاه دارد.

حکایت هم‌چنان باقی است...

کتاب ترانه‌های سیرجان به‌زودی و از طریق کتابخانه‌های معتبر، در دسترس مردم سیرجان و علاقه‌مندان به حوزه فرهنگ عامه خواهد بود. اثر ارزشمند دیگری از بانویی خستگی‌ناپذیر که به‌گفته‌ی خودش هنوز کارهای انجام‌نشده بسیاری دارد. او در مورد اثر جدیدش می‌گوید: مجموعه‌ی ترانه‌های سیرجان شامل دو بخش است. بخش اول که قبلاً در کتاب فرهنگ عامیانه سیرجان به چاپ رسیده و تکراری است و بخش دیگری که حاصل تحقیقاتم در مدت زمانی نسبتاً طولانی است. در تحقیقات اخیر سوساوس و دقت بیشتری به کار بردم و سعی کردم هرچه را می‌شوم را عیناً ثبت و ضبط کنم. بدون اینکه کلمه‌ای تصحیح شود یا تغییر کند. پس اگر واژه «بغت» را «بغت» و «امو» را «امو» نوشته‌ام، به همین دلیل است. و اگر چند دوبیتی را با اختلاف یک کلمه یا حداکثر یک مصراع را تکرار کرده‌ام، نیز لیلیش همین است. که البته ممکن است برای خوانندگان جالب نباشد، اما برای مردم اهمیت دارد. به‌رحال خوشحالم که این مجموعه را به علاقه‌مندان تقدیم می‌کنم و سیاستمداران و همه عزیزانی که در این زمینه یاری‌ام کردند.

افزایش قیمت اجناس در بحران کرونا



گذاشته می‌شود. از سویی برخی مغازه‌داران نیز پاسخ خود را به این داستان دارند: «ما عمده فروش هستیم و جزو صنوفی که باید تعطیل شویم به حساب نمی‌آییم.» برخلاف اظهارات خواجویی، برخی از مغازه‌های محیاشهر باز هستند و فروش خود را دارند. این را هم از معناداری که دخانیات در این مدت بسیار زیاد شده و برای خرید متانودن مراجعه می‌کنند می‌توان متوجه شد و هم کاسانی که خرید عمده دارند. در این مغازه‌ها بیشتر محصولات خارجی به چشم می‌خورند. محصولاتی که از مغازه‌های محیاشهر به مغازه‌های سطح شهر آورده می‌شوند و جزوی از سبد خرید مردم هستند.

خواجویی در مورد محصولات خارجی محیاشهر می‌گوید: «هر محصولی که وارد کشور می‌شود، اگر مراحل گمرکی را طی نکرده باشد و اسناد گمرکی نداشته باشد، قاچاق محسوب می‌گردد. وقتی ما به مغازه‌ها مراجعه می‌کنیم، مغازه‌ها باید فاکتور خرید ارائه کنند که این خرید غالباً از تهران است و اگر فاکتور یا اسناد گمرکی نداشته باشد، به عنوان کالای قاچاق تلقی می‌شود.»

با تمام این احوال، اجناس در محیاشهر در حال خرید و فروش هستند و بسیار گران‌تر از آنچه تا پیش از اسفند بود. مغازه‌داران سطح شهر می‌گویند اجناس به اصطلاح خارجی در محیاشهر بین ۷۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند. در حین صحبت با مغازه‌دار، مرد میان‌سالی تقاضای یک بسته مارلبورو فیلترپلاس می‌کند. مغازه‌دار می‌گوید: ۴۸ هزار تومان. مرد میان‌سال خود را نمی‌شکند، سیگار را می‌خرد و ضمن دادن چند فحش به مسئولان مملکت از مغازه خارج می‌شود. مغازه‌دار می‌گوید: «مردم فکر می‌کنند ما اجناس را گران کرده‌ایم اما خودمان داریم گران می‌خریم. کرونا ذهن همه را مشغول کرده. بگذار تمام شود، تازه مردم می‌فهمند در این مدت قیمت‌ها چقدر افزایش داشته است.»

فرزندان و والدین اختلافاتی به وجود آمده است، یا اینکه هر روز داریم می‌بینیم تعداد زیادی افراد تست‌شان مثبت می‌شود و از بین‌شان تعدادی فوت می‌کنند اما تا الان نشریات هیچ راهکاری برای خانواده‌های این افراد ارائه ندادند. مثلاً گفتیم مراسم برگزار نکنید اما چگونه برگزار کردن در این شرایط آموزش نمی‌دهیم. باید محتوایی تولید کنیم که جامعه چگونه می‌تواند با این افراد هم‌دردی کند. به‌رحال در این شرایط درد این‌ها دوچندان می‌شود و جای همه‌ی این مطالب در رسانه‌های ما خالی است. در واقع این انتظار را داریم که نشریات به سراغ روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و یا تخصص‌های مختلف بروند تا در این برهه به کمک مردم بیایند و تولید محتوا کنند. مردم در این برهه نیاز به کمک دارند. فقط به مردم گفته‌ایم این کار را نکنید و این کار را نکنید. چگونه و درست انجام دادن یک کار و همه‌ی جنبه‌ها را در نظر گرفتن تا حدودی جایش خالی است.

به‌رحال تعطیلی نشریات یک تأثیرات کوتاه‌مدتی می‌گذارد اما هر تصمیمی مخصوصاً این تصمیم که بی‌سابقه بوده است شاید به نظر من اگر دولت ورود پیدا نمی‌کرد بهتر بود و این تصمیم را و آگذار می‌کرد. مثلاً در صنف‌های مختلف وقتی می‌خواهیم تصمیم به تعطیلی‌شان بگیریم نظر مشورتی آن‌ها را می‌گیریم. در مورد رسانه هم شاید بهتر بود ما می‌آمدیم ستاد ملی کرونا با کمک وزارت بهداشت و روزنامه‌نگاران یک شیوه‌ی صحیح استفاده از روزنامه را در این شرایط منتشر می‌کرد و روزنامه هم می‌توانست منتشر شود. یعنی افرادی که از روزنامه می‌خواستند استفاده کنند می‌گفتند این روزنامه را به این شکل لحاظ از نگاه کنیم به هر حال اقتصاد آن‌ها به خطر افتاده است. ممکن است شغل‌شان را از دست بدهند. چون بنیه مالی روزنامه‌نگاران هم قوی نیست. خود روزنامه‌ها هم پیش از این با صدها مشکل مواجه بودند و فروش چندانی نداشتند،

نگاهی به توقف چاپ نشریات کاغذی

شاید بهتر بود دولت به این قضیه ورود نمی‌کرد



عکس: ایرنا

باید به‌همه‌ی جنبه‌های آن نگاه کنیم. اینکه نسخه‌ی کاغذی چاپ نشود که من از نظر پزشکی این را می‌پذیرم ولی از آن سمت باید ساختار فروش نسخه‌ی الکترونیک را از قیل ایجاد کرده باشیم. یعنی آثار منفی اقتصادی این تصمیم را به حداقل برسانیم. در عین حال هم بعضی‌ها هنوز به نسخه‌ی الکترونیک خیلی رغبتی نشان نمی‌دهند و دوست دارند نسخه‌ی کاغذی دست‌شان باشد. مثل بحث کتاب که هیچ‌وقت کتاب الکترونیک نتوانست جای کتاب کاغذی را بگیرد. البته اگر ما بخواهیم به سمت روزنامه‌ی الکترونیک برویم باید مهارت‌های تولید محتوای داشته باشیم صرفاً نسخه‌ی بی‌دی‌اف جواب نمی‌دهد ما باید روزنامه‌های مان چند رسانه‌ای باشد.

یعنی یک تغییراتی در نوع روزنامه‌نگاری مان بدهیم که آن اتفاق هم نیفتاده است. خود روزنامه‌نگاران در این روزها مثل همه‌ی مردم مراعات می‌کنند که مبتلا نشوند، ناقل نباشند، همه‌ی این‌ها هم تولید محتوای چهار مشکل کرده است حالا این تصمیم کاغذی منتشر کنید یا نه هم مشکلات روزنامه نگاران برطرف نمی‌شود. خیلی از مردم به خاطر ترس می‌کنند که از کرونا و این ویروس دارند نمی‌روند روزنامه را بخزند. ما باید چاره‌اندیشی در خصوص مشکلات روزنامه‌نگاری داشته باشیم که یکی از آن‌ها این است در بحث خرید و فروش نسخه الکترونیک و آنلاین یک اقداماتی را انجام دهیم؛ اشتراک آنلاین داشته باشیم تا آن خبرنگاری را روزنامه‌نگار از لحاظ ادعای در خطر نیفتد ولی پیش‌بینی